



The migration of Iranian workers to the South Caucasus and Living conditions at the beginning of the 20th century

Ahadava, Omriyye ¹  Mansourbakht, Qabad ²  
Shakurov, Karim ³ 

1. Ph.D. Student of Iranian History after Islam, Department of History Faculty of Literature and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. ahadovaomriyye@mail.ru
2. (Correspondence author) Assistant Professor of History Department, Faculty of Literature and Human Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. g_mansourbakhti@sbu.ac.ir
3. Assistant Professor of History Department, Azerbaijan Academy of Sciences University, Baku shukurovkk@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 8 Octo2022

Received in revised
form: 29 Janu 2023

Accepted: 14 Febr 2023

Published online: 8 Apr 2023

Keyword :

Caucasus,
Oil industry,
Immigration,
Iranian workers,
Welfare Condition

The economic growth in the South Caucasus led to the emergence of new industries such as oil, cement, mining, construction, textile, etc. A significant manifestation of this development was the extraction and industrial exploitation of Baku oil wells on a large scale. These new industries created a greater need for labor in the Caucasus region, which the local workforce could not meet. However, seasonal unemployment in the agricultural society of Iran, particularly Azerbaijan, and the proximity of this state to the Caucasus, provided new job opportunities for farmers and workers in the Caucasus.

This study aims to answer the question of what life was like for Iranian workers in the Caucasus and how comfortable they were. Based on statistics and information obtained from archival documents of Russia, Georgia, and Azerbaijan, this article concludes that Iranian workers played a critical role in the agriculture, oil, and communication industries of the Caucasus during this period. However, they earned very little income and lived in a deplorable state of well-being. Most of these workers were uneducated and unmarried, and due to the exhausting nature of their work, the rate of illness and death among them was very high.

Cite this article: Ahadava, Omriyye & Mansourbakht, Qabad & Shakurov, Karim (2023). Iranian Worker's Migration to South Caucasus and Their Life Conditions (Late 19th & early 20 Century). Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 17, No.32 Pages:1-22.

DOI. 10.22111/JHR.2023.44519.3521

© The Author: Omriyye Ahadava & Qabad Mansourbakht & Karim Shakurov
Publisher: University of Sistan and Baluchestan.

DOI. 10.22111/JHR.2023.44519.3521





مهاجرت کارگران ایرانی به جنوب قفقاز و وضعیت زندگی آن‌ها در آستانه سده بیستم میلادی

عمریه احد اوا^۱  قباد منصوربخت^۲  کریم کریکاغلو شکورف^۳ 

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ رایانامه: ahadovaomriyye@mail.ru
۲. (نویسنده مسئول) استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران؛ رایانامه: g_mansourbakht@sbu.ac.ir
۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه علوم آذربایجان، باکو؛ رایانامه: shukurovkk@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

تحولات اقتصادی جنوب منطقه‌ی قفقاز، زمینه ظهور صنایع جدیدی چون نفت، سیمان، استخراج معادن، ساختمان‌سازی، نساجی و غیره را فراهم آورد. استخراج و بهره‌برداری صنعتی از چاه‌های نفت باکو در مقیاس وسیع نیز یکی از جلوه‌های این تحول بود. این اقدامات نیاز به نیروی کار را به شدت افزایش داد، به طوری که نیروی کار بومی پاسخگوی این نیاز نبود. از طرف دیگر بیکاری فصلی در جامعه کشاورزی ایران، به خصوص آذربایجان و هم‌جواری این ایالت با قفقاز، فرصت‌های شغلی جدیدی برای این کشاورزان و کارگران فراهم ساخت. پرسش اصلی پژوهش حاضر، ناظر به وضعیت زندگی و سطح رفاه کارگران ایرانی قفقاز است. یافته‌های این مقاله برپایه آمارها و اطلاعات مندرج در اسناد بایگانی‌های روسیه، گرجستان و آذربایجان نشان می‌دهد؛ باوجود اینکه کارگران ایرانی در این دوره، نقش مهمی در اقتصاد کشاورزی، صنایع نفتی و ارتباطی قفقاز داشتند، اما درآمد بسیار کمی داشته و در وضعیت رفاهی اسفناکی به سر می‌بردند. بیشتر این کارگران بی‌سواد و به صورت مجرد زندگی می‌کردند و به علت کار طاقت‌فرسا، میزان بیماری و مرگ و میر در میان آنها بسیار بالا بود.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۱/۱۹

واژه‌های کلیدی:

قفقاز،

صنعت نفت،

مهاجرت،

کارگران ایرانی،

وضعیت رفاهی.

استناد: احد اوا، عمریه و منصوربخت، قباد و شکورف، کریم کریکاغلو (۱۴۰۲) تحلیل اوج و تضعیف طریقت نقشبندیه در ماوراءالنهر و خراسان دوره تیموریان بر اساس نظریه تبارشناسی فوکو، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۴۰۲، دوره ۱۷، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳۲ صفحه: ۱-۲۲.

DOI.10.22111/JHR.2023.44519.3521

© نویسندگان . عمریه احد اوا، قباد منصوربخت، کریم کریکاغلو شکورف

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

جدایی قفقاز از ایران در جریان جنگ‌های دوره اول ایران و روس باعث تحولات گسترده‌ای در عرصه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شد؛ تحولاتی که ایران و به‌خصوص آذربایجان را تحت تأثیر قرارداد. آغاز این تحولات با اقدامات دولت روسیه در گسترش تمدن روسی به این مناطق صورت گرفت. با شروع اقدامات نوسازانه توسط روسیه در مناطق مختلف قفقاز و استخراج نفت، صنایع مختلفی در این منطقه ایجاد شدند. از سویی نیاز صنایع جدید و از جمله صنایع نفتی به نیروی کار باعث شد آن‌ها به کارگران سایر مناطق نیاز پیدا کنند. طبعاً ساکنین آذربایجان در ایران که عمدتاً در عرصه کشاورزی فعالیت می‌کردند و با بیکاری فصلی مواجه بودند با فرصت جدید برای اشتغال روبرو شدند و از این فرصت استقبال کردند. به این ترتیب مهاجرت کارگران ایران به قفقاز آغاز شد. اگرچه این کارگران در مقایسه با موطن خود از درآمد بیشتری برخوردار می‌شدند، اما شرایط زندگی آن‌ها به مراتب از آنچه در وطن داشتند، بدتر شده بودند. این امر یعنی مسئله شرایط سخت زندگی تا جایی پیش رفت که موجب شد تعدادی از کارگران ایرانی جان خود را در مسیر کسب درآمد بیشتر، از دست بدهند. مقاله حاضر سعی دارد تا با استفاده از داده‌های آماری و تحلیل آن‌ها، شرایط زندگی کارگران مهاجر ایرانی در قفقاز را مورد بررسی قرار دهد. فرضیه پژوهش حاضر این است که کارگران ایرانی با وجود فعالیت گسترده و ایفای نقشی مهم در صنایع قفقاز، درآمد کمی داشتند و وضعیت رفاهی و بهداشتی آن‌ها وخیم بود. مهاجرت کارگران ایرانی به روسیه تزاری در نیمه دوم سده نوزدهم و اوایل سده بیستم میلادی و زمینه‌ها و پیامدهای اقتصادی و سیاسی - اجتماعی آن توسط برخی از پژوهشگرانی ایرانی و آذربایجانی مورد بررسی قرار گرفته است. در این باره، نخستین بار آبوت (Abbott) در سال ۱۸۵۵ م (۱۲۳۳ شمسی) دست به پژوهش زد (Abbott, V. G. 1888:39).

براساس یافته‌های ن.ک: حکیمیان، ۱۳۷۴؛ شاکری، ۱۳۴۸ و شکروف ۲۰۰۹م، در این مهاجرت‌ها و رفت‌وآمدها، طیف گسترده‌ای از ایرانیان، از بازرگانان خوش‌نام تا کارگران گمنام، از پناهندگان سیاسی و عقیدتی تا ماجراجویان و گروه‌های متکدی حضور داشتند. بیشتر این مهاجران دهقانان و پیشه‌وران فلاکت‌زده‌ای بودند که ناچار به مهاجرت به قفقاز به‌ویژه منطقه باکو شده بودند. البته

عمدتاً خاستگاه آنان را آذربایجان تشکیل می‌داد. حاج زین‌العابدین مراغه‌ای در سیاحت‌نامه خود، تعداد کارگران ایرانی شاغل در نواحی مختلف قفقاز را حدود شصت هزار تن ذکر کرده است. (مراغه-ای، ۱۳۶۴: ۹۸). پژوهش کریمی گیلایه (۱۳۹۶) به بررسی نقش کارگران مهاجر گیلانی در انتقال افکار سوسیال-دموکراسی قفقاز در انقلاب مشروطه و روند سیاسی شدن تدریجی کارگران مهاجر ایرانی در خارج از کشور و چگونگی انتقال و گسترش عقاید رادیکال در ایران در بجهت‌انقلاب مشروطه می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، با توجه به این‌که گیلان مرکز عمده‌ی تجارت ایران با قفقاز و روسیه بود و صادرات آن از قفقاز به اروپا صادر می‌شد، بیشترین تأثیر را از ورود افکار جدید پذیرا گردید.

کالیراد (۱۳۹۸) در پژوهش خود بر پایه‌ی اسناد به‌جامانده از نمایندگی ایران در ولادی قفقاز، موجود در آرشیو وزارت خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران، تصویری کلی از حضور و فعالیت کارگزاران دولتی و مهاجران ایرانی مقیم این شهر، از زمان تأسیس نمایندگی دولت ایران در ولادی قفقاز تا فروپاشی امپراتوری تزاری و وقوع جنگ‌های داخلی در روسیه ارائه کرده‌است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نمایندگی دولت ایران به واسطه‌ی اقداماتش در ایجاد و حفظ مسجد شیعیان (ایرانیان)، مدرسه‌ی نوروز و انجمن همت، نقشی مهم در ایجاد همبستگی میان اعضای مهاجر ایرانی داشت و در مقاطع و موقعیت‌های مختلف به صیانت از حقوق اتباع ایران می‌پرداخت. در عین حال، عدم توازن در روابط ایران و روسیه، خصومت‌ها و رقابت‌های شخصی و محفلی میان اعضای مختلف وزارت خارجه و وجود بی‌نظمی‌ها و بی‌انضباطی‌های مالی، مانعی جدی در ارتقای عملکرد نمایندگی ایران در ولادی قفقاز بود. اتابکی و مراد صالحی (۱۳۹۶) به بررسی علل ورود طبقات فرودست جامعه‌ی ایران در اواخر قرن نوزدهم به مناطق قفقاز، کوشش جامعه ایرانی ساکن قفقاز برای احقاق حقوق و حفظ هویت خود و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی-انقلابی و تشکیل احزاب و گروه‌های سیاسی و سرانجام آن‌ها با تکیه بر اسناد موجود در آرشیو دولتی شوروی پرداخته‌اند که در نهایت به سرنوشت تلخ و ناگوار انقلابیون ایرانی در دوره تصفیه‌های استالینی ختم شد.

کار در بخش کشاورزی

در دهه ۳۰ قرن نوزدهم کشت و زراعت غلات یکی از رایج‌ترین بخش‌های کشاورزی جهت کار برای مهاجران ایرانی بود (Обозрение Российских владений за Кавказом. 1836.289). از دهه ۶۰ به‌ویژه دهه ۸۰ قرن نوزدهم میلادی، اطلاعات به‌کارگیری نیروی کار ایرانی برای کشت غلات در اسناد آرشیوی و منابع منتشر شده منعکس شده است "باوجوداینکه مردم ایرانی زیاد در قره‌باغ به کار کشت و زراعت غلات مشغول بودند" (ARDA, F410, səyɤfə1, iʃ 241). لنکران، قبه و دیگر استان‌های باکو، استان‌هایی بودند که از نیروی کار ایرانی برای زراعت غلات به‌طور گسترده استفاده می‌کردند (ARDA, F1610, səyɤfə1, iʃ 24). در یک سند آرشیوی آمده است: «از سال ۱۸۶۷ م تعداد زیادی از کارگران هنگام برداشت غلات به لنکران می‌رفتند» (Россия ГАРФ. Ф, 1268, оп. 14, дело 1, л. 266 об). روزنامه «قفقاز» (منتشرشده در ۲۲ ژوئن ۱۸۷۸ م) نیز در یکی از مقاله‌های خود به این نکته اشاره می‌کند که در منطقه لنکران، زمانی که محصولات کشاورزی فراوان بود، کاهش ورود کارگران ایرانی منجر به افزایش هزینه‌های نیروی کار شد. همچنین وی در بررسی رفاه روستاییان دهستان لنکران به این موضوع در رابطه با استفاده از نیروی کار استیجاری برای کشت غلات پرداخته و کارگران ایرانی را به‌عنوان یکی از منابع نیروی کار استیجاری در آنجا معرفی کرده است (Кавказ. 1881. №74). برخی از داده‌های مربوط به اواخر قرن نوزدهم نیز نشان می‌دهد که از نیروی کار ایرانی به‌طور گسترده در کشت غلات در ناحیه لنکران استفاده می‌شد. در اکثر روستاهای استان گنجه، به‌ویژه قازاخ، شوشی، جبرائیلی، جوانشیری و غیره به‌صورت گسترده از نیروی کار ایرانی برای کشت غلات استفاده می‌شد (Абелов Н. А. 1879.81). در سند آرشیوی اطلاعات توصیفی و تصویری از نیروی کار آذربایجان جنوبی در استان الیزاوتپل وجود دارد که آن‌ها در چه شرایط کاری طاقت‌فرسایی به‌عنوان کارگر مزرعه کار می‌کردند و بیشتر درآمد آن‌ها از قنات و دروی محصول بود (ARDA, F410, səyɤfə 2, iʃ, 24). (25, 26).

در شهر قازاخ که امتیاز مزارع به شرکت‌های آلمانی تعلق داشت، بخش عمده‌ای از نیروی کار آن‌ها را کارگران ایرانی تشکیل می‌دادند. طبق منابع، برداشت جو در دشت‌های قازاخ از اواخر اردیبهشت‌ماه و برداشت گندم در تیرماه آغاز می‌شد (Тиммер Ф. 1902.21). برداشت این محصولات باید به سرعت انجام می‌پذیرفت، زیرا حتی گذشت یک روز نیز باعث می‌شد آفتاب تأثیر مخربی بر میزان محصول داشته باشد. از این‌رو کارگران که بخش عمده آن‌ها را ایرانیان تشکیل می‌دادند تقریباً تمام طول روز را در مزارع مشغول به کار بودند اما درآمد چندانی به این کارگران بر اساس کاری که انجام می‌دادند پرداخت نمی‌شد زیرا در آن زمان صاحبان مزارع اجازه کارفرما بودن و استخدام کارگر رسمی را نداشتند، از این‌رو از کارگران ایرانی که حاضر به کار با حقوق کم در این مزارع می‌شدند استفاده می‌کردند. اسناد آرشیوی نیز این نکته را تأیید می‌کنند: «کارگران ایرانی حتی در کوهپایه‌ها و دشت‌ها هم کار می‌کردند و نسبت به هزینه‌ای که می‌گرفتند، زمان معینی برای کارشان مشخص نبود و از منطقه‌ای به منطقه دیگر کارگران را منتقل می‌کردند» (ARDA, 1, iş 77,7 F710, səyifə). همچنین در منبعی دیگر در اواخر قرن ۱۹ بیان شده که: «کارگران ایرانی در روستای جوانشیری به کشت غلات مشغول بودند». علاوه بر این، کارگران ایرانی در سایر روستاهای الیزابت‌پل هم کار می‌کردند (Ерицов А. Д. 169.2).

مناطق شهر تفلیس مخصوصاً برچالو از جمله مناطق مورد علاقه مهاجران ایرانی به‌خصوص مناطق آذربایجان بودند. به طوری که در نامه کنسولگری امپراتوری روسیه در ایران (مناطق آذربایجان) به معاون قفقاز (تاریخ ۱۸ سپتامبر ۱۹۱۰) مطالب بیشتری در مورد کارگران ایرانی در نواحی تفلیس و بورچالی نسبت به سایر مناطق ارائه شده است. س. و. ماچابلی در پژوهش خود نشان داده است که، در دهه ۸۰ قرن نوزدهم در منطقه تفلیس نسبت به سایر مناطق از نیروی کار ایرانی بیشتری استفاده می‌شد. (Мачабели С. В. 239). در سند: "منطقه برچالو یکی از اصلی‌ترین مناطق مهاجرت ایرانی‌ها بود، این گفته در یک نظرسنجی انجام شده توسط انجمن کشاورزی قفقاز تأیید می‌شود" (Грузия. ЦГИА ф. 13, оп. 1, дело 267, л. 25). آ. م. ارگونتیسکی - دولقروکف (A. M. Arqutinski-Dolqorukov) در مورد بهره‌گیری از نیروی کار در صنعت

غله در منطقه برچالی می‌نویسد: "جمع‌آوری غلات برچالی عمدتاً به عهده شهروندان ایرانی بود که از اوایل تا اواخر فصل گندم در برچالی حضور داشتند." (A. M.1897.104)

کارگران ایرانی همچنین در برداشت محصولات غلات در استان ایروان، شرور-درالایاز، نخجوان و سایر مناطق استان ایروان مشارکت فعال داشتند. در اسناد بایگانی ۱۸۶۴م گزارش شده است: "بسیاری از کارگران فصلی برای کسب درآمد، به استان ایروان وارد شده اند. بدون شک برخی از آن‌ها در کشت غلات فعالیت می‌کردند. کارگران ایرانی فعالیت گسترده‌ای در کاشت غلات داشتند و عمدتاً در فراگرد برداشت استفاده می‌شدند. همچنین در سایر فراگردهای مربوط به تولید غلات؛ خرمن کوبی، حمل و نقل غلات و غیره؛ با توجه به ویژگی آن‌ها، نیروی کار اعضای خانواده، همسایگان و نیروی کار محلی عمدتاً بر اساس کمک متقابل از آن‌ها استفاده می‌شد. (России. Юсупов И. Н. К 1956. №8. 107-114)."

پنبه در اوایل قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰م داشتند. (Юсупов И. Н. К 1956. №8. 107-114)

در گزارش ن. پ. تاراتنوفدر (N. P. Taratnovun) سال ۱۸۹۲ مربوط به کنگره ایروان بر نقش کارگران ایرانی در کشت پنبه تاکید می‌کند. او در گزارش خود به این نکته تاکید می‌کند که بدون هجوم انبوه کارگران از استان‌های داخلی روسیه و ایران، کشت پنبه و در کل کشاورزی غیرممکن می‌شد. علاوه بر آن استخراج ریشه شیرین بیان در استان‌های باکو و الیزابت‌پل نیز سبب جذب کارگران ایرانی می‌شد (России. ГАРФ ф, 1284, оп. 223, дело 127, л. 72)، اما کشف منابع ارزان تر ریشه شیرین بیان در سوریه و سایر کشورها باعث شد که تولید ریشه شیرین بیان در آذربایجان با بحران مواجه شود و به تبع آن تعداد کارگران ایرانی را که در این استان‌ها زندگی می‌کردند، محدود گردد (Сегаль И. 1895. 138). همچنین در این مورد اسناد آرشیوی از دانشگاه آکادمی علوم آذربایجان وجود دارد که نشان می‌دهد، ایرانیان این منطقه در مزارع تنباکو و زعفران هم مشغول به کار بودند. (АМА, Tarix İnistutu Arxiv F15, siyahı 1, iş 11.) مطالب آرشیوی و اطلاعات ثبتی از دهه ۵۰ قرن نوزدهم میلادی ارائه شده که کارگران ایرانی زیادی

برای کار در مزارع منطقه برچالی می‌آمدند. "سند نظرسنجی انجام شده توسط انجمن کشاورزی قفقاز نیز این موضوع را تایید می‌کند" (ЦГИА Грузии ф. 13, оп. 1, дело 267,).
 25. همچنین آ. م. آرگوتینسکی دولقروکوف (A. M. Arqutinski-Dolqorukov) نیز در مورد کشاورزی در منطقه برچالو اشاره می‌کند، در استان بورچالی صیفی جات عمدتاً توسط ایرانیها کشت می‌شد. محقق دیگری نیز بیان کرده که کشاورزان ایرانی در حوضه آبریز آراز و (در استان ایروان) نیز در مزارع صیفی‌جات محلی مشغول به کار بودند (Россия. ГАРФ ф. 1268,).
 (оп. 10, д. 127, л. 110 об). حتی ر. ا. دانیلویچ (R. İ. Daniloviç) خاطرنشان می‌کند: "کارگران ایرانی در پرورش صیفی جات خصوصاً باغبانی دانش خوبی داشتند به همین دلیل از نیروی کار کارگران ایرانی در آنجا زیاد استفاده می‌شد.

همچنین و. ا. دوتسکی در مورد کشاورزی این منطقه اشاره کرده و می‌نویسد: "در استان قفقاز جنوبی کارگران مزارع زمین و حفاظت از بوستان بیشتر ایرانیان بودند" (Долгоруков А. М., №501). براساس اسناد و مدارک قرن ۱۹-۲۰ میلادی در استان قارص نیز، کارگران به‌طور گسترده به کشاورزی صیفی جات مشغول بودند. (ЦГИА Грузии , ф. 11, оп. 1, дело 3251, л. 7, оп. 3, дело 1837, л. 1-6; там снова ф. 11, оп. 1, дело 4074, л. 11-13; опять там, дело 4078, лист 13). کارگران ایرانی در زمینه‌هایی مانند پرورش کرم ابریشم و تولید پيله، انگور کاری نیز فعالیت داشتند. از مناطق مورد علاقه کشاورزی انگور خصوصاً در منطقه آذربایجان شهرهای جلیل آباد، ماسالی و سلیمان بود که تاسیس کارخانجات متعدد جهت تبدیل انگور به محصولات دیگر بود که سبب رشد جمعیت در این شهرها گردید (ARPIİDSA, F1, siyahi 1, iş 142, 143). منبعی از دهه ۷۰ قرن نوزدهم میلادی اطلاعاتی در مورد نیروی کار جهت کشت انگور شماخی ارائه می‌دهد. بر اساس گزارش یک منبع از سال ۱۸۹۶م: "کارگران ایرانی در هر دو ناحیه شماخی و گوپچای استان باکو به کار مشغول بودند مشغول آن‌ها معدن بود (2/19-20 BDU, f1, S 4, İŞ 56-57).

کار در بخش صنعت و نفت

فعالیت کارگران فنی ایرانی مهاجر در روسیه که در صنعت، حمل و نقل و غیره مشغول بودند به سال‌های اولیه پس از اشغال ولایات ایرانی جنوب قفقاز برمی‌گردد. کارگران زیر دستی و بنایان

برای کسب درآمد از ایران و ترکیه عثمانی به (جمهوری آذربایجان) می‌آمدند (Сборник сведений 1896. 67-70). کار آن‌ها در استانهای این مناطق در ظاهر به دو بخش تقسیم می‌شده است. اما به‌طور کلی آن‌ها مشغول به هر کاری در زمینه کشاورزی، نفت، آبرسانی، راهسازی، بنایی و می‌شدند و جز بدبخت‌ترین مردم آن جامعه محسوب می‌شدند (Материалы. 1897. 89) این‌گونه اطلاعات در کتب تاریخی زیاد دیده نمی‌شود اما در کتب تاریخی قدیمی که در آرشیو روسیه وجود دارد نشان می‌دهد که از اواسط قرن نوزدهم تا اوایل قرون بیستم میلادی، کارگری غیرکشاورزی در حال گسترش بوده است.

نقش صنعت نفت در اشتغال غیرکشاورزی ایرانیان

ورود انبوه کارگران ایرانی به صنعت نفت مصادف با دوره توسعه سریع بخش صنعت تولید و پالایش نفت است. نسبت به کارگران دیگر کشورها کارگران ایرانی در فعالیت‌های نفتی حضور بیشتری داشتند، آن‌ها به کارگران حفاری و معدن تقسیم می‌شدند. در جدول شماره ۱، تعداد ایرانی‌های شاغل در حفاری و تولید نفت در سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۰ م آمده است.

جدول ۱: تعداد ایرانی‌های شاغل در حفاری و تولید نفت در سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۰ م

سال	کارگران حفاری			کارگران معدن		
	جمع	ایرانی		جمع	ایرانی	
		قطعی	%		قطعی	%
۱۸۹۹	۵۱۳۷	۱۲۴۵	۲۴,۲	۰۳۹۱۰	۱۲۵۲	۱۰,۲۱.
	۲۰۷۳	۱۶۰۱	۱,۳۶	-	-	-
جمع کل	۳۴۴۸	۴۰۵۲	۸,۲۸	۱۰۰۳۹	۲۱۲۵	۱,۲۱
	۶۷۱۵	۱۸۰۱	۲۶,۸	۱۱۵۸۵	۳۱۶۳	۳,۲۷
۱۹۰۰	۴۴۳۴	۲۳۴۱	۰,۳۶	-	-	-
جمع کل	۱۴۹۱۰	۰۳۵۳	۰,۳۰	۵۸۵۱۱	۱۶۳۳	۳,۲۷

России. ГАРФ, ф. 1263 г., опись 13, дело 1, лист 428, 443 оборот; список 14, дело 1, л. 266 о., 285 о.; дело 153, лист 352 оборот, 359 оборот; список 1, дело 12, л. 395 об.; дело 91, л. 183 оборотная; опись 18, дело 182, л.д. 505. 506. ф. 1268, оп. 18, д.

طبق اسناد مذکور در سال ۱۹۰۱، ۳۰ درصد کارگران حفاری و ۲۷٫۳ درصد کارگران معدن را ایرانیان تشکیل می‌دادند. مطالب آرشویی نیز مؤید مشارکت گسترده کارگران ایرانی در حفر چاه‌های نفت است. به طوری که ۷۲ درصد حفاری‌های پیمانکار اصلانوف، ۲۱/۲ درصد کارگران میترانوف و بخش زیادی از کارگران سایر پیمانکاران، نیز کارگران ایرانی بودند ولی آماری از آن‌ها در دست نیست. کارگران ایرانی به دلیل خبره بودن توسط این شرکتها استخدام می‌شدند. به این ترتیب کارگران ایرانی ۲۰۱۱ درصد از کارگران معدن در سال ۱۸۹۳م و ۱۶٫۲۱ را درصد در سال ۱۸۹۹م را تشکیل می‌دادند. تعداد کارگران مناطق آذربایجان (تبریز، اردبیل، ارومیه و . . .) در شرکت‌های نفتی نیز قابل توجه است.

در سال ۱۸۹۲-۹۳م (۷۱-۱۲۷۰ شمسی)، ۴۶ نفر و در سال ۱۸۹۳-۹۴م (۱۲۷۱-۷۲ شمسی)، ۳۶۳ نفر ایرانی در شرکت نفت برادران نوبل مشغول به کار بوده‌اند. علاوه بر شرکت برادران نوبل، لیست کارگران و کارکنان شرکت‌های نفتی دیگری نیز مستقر در کلاتری بالاخانی- صابونچی نشان دهنده تعداد کارگران ایرانی از کل کارگران است. ۲/۷۶٪ از کارگران معدن آساتروف و خانه تجارت ، ۵/۲۶٪ از کارگران معدن بالاخانی ا. ف. کولسینیکوف ، ۵/۴ درصد از کارگران معدن ا. ک رلیسکی، ۴۴/۴ درصد از کارگران شرکت برادران دبورنو ۳۸/۴۶ درصد از کارگران معدن د. ا. آرتیوموف را کارگران ایرانی تشکیل میدادند.

جدول ۳: تعداد ایرانیان شاغل در صنعت نفت باکو در سالهای ۱۸۸۴ تا ۱۸۹۰ میلادی

سالها	همه کارگران	ایرانی	
		قطعی	درصد %
۱۸۹۳	۴۷۴۵	۵۲۵	۱۲٫۱۱
۱۸۹۹	۱۶۸۹۶	۳۵۴۰	۲۰٫۹۵
	۶۱۷۵	۴۱۲۱	۱۳٫۲۵
	۵۱۳۲۲	۹۵۲۴	۰۰٫۲۱

۱۹۰۰	۲۶۶۳۷	۵۴۸۵	۲۰,۱
	۴۰۹۵	۳۷۳۱	۴,۲۵
	۰۴۹۳۲	۸۵۸۶	۴,۲۱

ARPIİDSSA F1,siyahi1, iş 142,143 f. 1 , s. 74 , i. 742 . 26. s. 74 , i. 740 . 28. s. 77 , i. 44 . 29.. 85 , i . 214 . 30. s. 85 , i. 657 . 31. f. 1 , s. 88 , i. 13 . 32. f. 1 , s. 88 , i. 21 . 33. f. 1 , s. 88 , i. 137 . 34.

همچنین، ۲۱ تا ۲۲٪ درصد کارگران صنعت نفت باکو را ایرانیان تشکیل می‌دادند. ایرانیان در کنار تولید نفت، در صنعت پالایش نفت نیز فعالیت داشتند. گزارش میدانی از استان باکو در سالهای ۱۸۹۴-۱۸۹۵ نشان می‌دهد که اکثریت کارگران پالایشگاه نفت را مسلمانان این استان و کسانی تشکیل می‌دادند که از ایران برای کسب درآمد به باکو آمده بودند. این روند بعدها هم ادامه داشت چراکه تعداد کل کارگران صنعت پالایش نفت بین ۴ تا ۵ هزار الی ۵ تا ۶ هزار نفر بدون احتساب کارگران رده پایین و کارگران موقت در سال ۱۹۰۰م بوده است. طبق یک منبع در سال ۱۹۰۰م، حدود ۴۰۰۰ کارگر مسن در پالایشگاه‌های نفت باکو کار می‌کردند که ۱۳۸۱ نفر از آن‌ها (۳۵٪) آذربایجانی بودند. فقط ۱۱۴۰ آذربایجانی اهل ایران بودند. این رقم تمام ایرانیان در پالایشگاه‌های نفت را پوشش می‌دهد، بنابراین می‌توان فرض کرد که در مجموع بیش از ۲۰۰۰ نفر ایرانی مشغول به کار بودند.

با افزایش تولید نفت و توسعه صنعت پالایش نفت در باکو، صنعت پالایش فلزات نیز گسترش یافت. در آغاز قرن بیستم میلادی، ۳ هزار تا ۳۵۰۰ کارگر در شرکت‌های فرآوری فلز در باکو مشغول به کار بودند. با توجه به اسناد و مطالب میتوان بیان کرد در آن زمان تعداد ایرانیان شاغل در کارگاه‌های شرکت‌ها و پیمانکاران صنعت نفت به بیش از ۴۶۰ هزار می‌رسید.

جدول ۴: تعداد ایرانیان شاغل در شرکتهای صنعت نفت

سالها	همه کارگران	ایرانیان	
		تعداد	%
۱۸۹۹	۴۱۴۳	۱۲۴	۳
	۶۷۸۱	۱۵۰	۹
۱۹۰۰	۵۷۱۳	۳۷۹	۶.۶
	۳۲۸۱	۸۵	۶

(ЦГИА ф. 264, оп. 1, дело 359, л.д. 149-150).

کارگران ایرانی نقش مهمی در معدن و صنعت ذوب سنگ و صنعت مس ایفا می‌کردند. در سال ۱۹۰۰م، آذربایجان ۶.۳۴ درصد مس تولید شده در روسیه و ۵.۶۸ درصد در قفقاز را تشکیل می‌داد. در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم میلادی تعداد کارگران معادن و کارخانه‌های مس آذربایجان بین هزار تا ۵ هزار نفر متغیر بود. (Кочлавашили А. И. К. 1961.15). اما چند نفر از این کارگران اهل ایران بودند یا نه معلوم نبود با توجه به اسناد ثبت شده، تعداد کارگران روستای گدبیک در سال ۱۸۷۰م و بر اساس محل کار ۱.۱۹٪ از کل کارگران را تشکیل می‌دادند.

(Россия. ГАРФ ф. 95, оп. 5, д. 1690, л. 141 обр.

جدول ۵: تعداد ایرانیان شاغل در معادن مس گدبیک در سال‌های ۱۸۷۰ و ۱۸۸۷

محل کار	همه کارگران		ایرانیان			
			تعداد		درصد %	
	۱۸۷۰	۱۸۸۷	۱۸۷۰	۱۸۸۷	۱۸۷۰	۱۸۸۷
معادن	۳۱۰	۳۳۰	۹۴	۲۹۸	۳۰.۳	۱۰.۹۳
جنگل	۷۶۱	۸۸۰	۹۳	۱۱۴	۱۲.۲۴	۱۳
کارخانه	۴۷۹	۴۷۴	۱۰۹	۱۰۹	۲۲.۷	۲۳
مجموع	۱۵۵۰	۱۶۷۴	۲۹۶	۵۲۱	۱۹.۱	۳۱.۱

Грузия. МДТА. , ф. 11, оп. 1, дело 2543, л. 1; опять там же, дело 2878, л. 4; опять там же, дело 2944, л.5; вот опять дело 3676.

این واقعیت که در سال ۱۸۷۰م تنها ۴.۱۸٪ از کارگران گدابای از عثمانی (ترکیه) بودند و کمتر از ۴.۶٪ از کارگران عثمانی (ترکیه) در معادن کار میکردند، نشان میدهد که کارگران ایرانی عمدتاً مشغول به این کار سخت و طاقت‌فرسا بودند که با توجه به درصد شاغلان ایرانی در سال ۱۸۷۰م، تعداد آن‌ها در سال ۱۸۸۷م بیش از ۵۰۰ نفر می‌رسید. کارگران ایرانی در آللوردی (Alahverdi)، شاملیق (Shamliq) و سایر معادن مس نیز مشغول بودند. در پایان قرن نوزدهم میلادی تعداد کارگران الله وردی ۴ نفر و در گفان ۲ هزار نفر بود (Парсамян В. А. 1972. 265). در آغاز قرن بیستم میلادی ۲۵۰۰ آذربایجانی ایرانی تبار در الله‌وردی به خدمت گرفته شده بودند. آ. کولافاشویلی که تاریخ صنعت معدن و متالورژی گرجستان را در ۱۸۳۰-۱۹۰۰م مطالعه کرده است، خاطر نشان می‌کند که در کنار کارخانه متالورژی پولادسازی، ایرانیان در روستای الله‌وردی و شاملیق کار می‌کردند. ایرانیان نیز در استخراج منگنز در چیاگوری شرکت داشتند (Цатурян М. A. 1971. 35).

در نیمه دوم قرن نوزدهم - آغاز قرن بیستم میلادی فرآوری تنباکو، تمیز کردن پنبه، بافندگی، پردازش چرم و... و از طرفی استخراج زغال سنگ، سنگ آهن و نمک نیز در حال توسعه بود،

بنابراین نیاز به نیروی کار و جذب کارگران غیرکشاورزی از خارج از کشور از جمله ایران در این صنایع احساس می‌شد.

ایرانیان همچنین بخشی از نیروی کار در کشتیرانی دریای خزر، ساخت و بهره برداری از راه آهن بودند. تعداد کارگران بندر از جمله روس‌ها و ایرانی‌ها به ۲ هزار نفر می‌رسید (Алиева Л. М. (1969.38 Кавказ, 1874, №46).

در اواسط دهه ۶۰ قرن ۱۹ میلادی ساخت و ساز راه آهن در جمهوری فدرال دموکراتیک قفقاز جنوبی گسترش پیدا کرد. از آن زمان خطوط راه آهن مهمی همچون تفلیس-پوتی (۱۸۷۲م)، تفلیس-باکو (۱۸۸۳م)، پتروفسک-گروزنی-بسلان (۱۸۹۴م)، تفلیس-الکساندروپل-قارص (۱۸۹۹م)، پتروفسک-دربنت-بیلاجاری (۱۹۰۰م) و غیره احداث شد. ساخت و بهره‌برداری از راه آهن نیاز به نیروی انسانی زیادی داشت. از این رو دولت قفقاز امید زیادی به استفاده از نیروی کار ارزان ایرانی در ساخت راه آهن داشت. ن. ک. شانزده که شکل‌گیری و توسعه راه آهن جمهوری فدرال دموکراتیک قفقاز جنوبی و تأثیر آن بر اقتصاد را مورد مطالعه قرار داده بود، نوشت که ساخت راه آهن تفلیس-باکو، در کنار سایر شرایط عینی، ۵۰ هزار لژی و تعداد زیادی ایرانی را به خود جذب کرد.

در سال ۱۸۹۵م، ۱۰ هزار کارگر در ساخت راه آهن مشغول به کار بودند که بسیاری از آن‌ها ایرانی بودند. روزنامه قفقاز نیز گزارش داد که ایرانیان زیادی در سال ۱۸۹۷م برای ساخت راه آهن تفلیس-ایروان به آنجا رفته بودند. (Смирнов В. В. 1925.10). ساخت راه آهن، کشاورزان را نیز در مناطق قفقاز به خود جذب کرد. روزنامه "قفقاز کند تصرفات" (روزنامه کشاورزی روستایی قفقاز) گزارش داد که اخبار مربوط به ساخت راه آهن تفلیس - قارص به‌طور گسترده منتشر شد و باعث شد که ایرانیانی که برای درآمد تابستانی به استان الیزابت‌پل آمده بودند، به محل ساخت راه آهن بروند. روزنامه "نون ابرازیان" (نقد جدید) نیز در این باره گزارش داد: "کارگران غیر بومی که به کشاورزی مشغول هستند شب‌ها در جای دیگر کار می‌کنند و یا روزی که کار کشاورزی نمی‌کنند به سراغ راه آهن می‌روند" (Кавказ, от 3 октября 1897 г. , №56) این بیان را نه تنها

نشریات، بلکه منابع مربوط به ساخت راه آهن ثبت کرده‌اند. در کارهای مربوط به ساخت راه آهن، ساخت تونل و غیره از نیروی کار کارگران زیادی استفاده شد. حدود ۲۰۰۰ نفر از جمله کارگران ایرانی در ساخت تونل سورم شرکت داشتند. در سایر بخش‌های حمل و نقل، کارگران ایرانی جزو نیروی کار اصلی بودند. سرشماری اکتبر ۱۹۰۳م در باکو نشان داد که جمعیت مسلمان مشغول در کار حمل و نقل (۵۶۲۵ نفر) بودند که بیشترشان مسلمانان ایرانی بودند. کارگران ایرانی نقش مهمی در تامین تقاضای نیروی کار استخدامی در نتیجه توسعه زندگی شهری و گسترش ساخت و ساز داشتند. کارگران همچنین در ساخت تاسیسات آبیاری - کانال‌ها و خندق‌ها فعالیت داشتند)

(Кавказ Сельское хозяйство, 1898 г. , №78)

کیفیت زندگی کارگران ایرانی

در منابع روسی به کیفیت زندگی کارگران ایرانی در قفقاز پرداخته شده است. بر اساس این منابع کیفیت زندگی کارگران کشاورزی در آن زمان پایین بود. در میان کارگران ایرانی افراد اندکی باسواد بودند و بیشترشان مجرد بودند. این حقایق راکم و بیش را می‌توان در تعیین شاخص‌های کیفی کارگران غیرکشاورزی در نظر گرفت. در این رابطه، مطالب مندرج در گزارش استارسف به کمیسیونی که در کنگره صنعت نفت در سال ۱۸۹۹م برای بررسی رفاه کارگران آسیب دیده تشکیل شد، قابل توجه است. سخنرانی استارسف بر مبنای پاسخ به سوالاتی بود که از قبل بین کارگران توزیع شده بود. داده‌ها در مورد ۱۸,۸۷۵ کارگر و کارمند جمع‌آوری شد. از این تعداد، ۱۴,۹۶۶ نفر (۷۹٪) اتباع روسیه و ۳۹۰۹ نفر (۲۰٪) اتباع خارجی بودند. به گفته نگارنده خارجی‌ها عمدتاً ایرانی بوده‌اند. براساس این اطلاعات، خارجی‌ها ۳۰٪ درصد از کارگران سیاه‌پوست، ۳۵٪ درصد از اپراتورهای ترمز، ۲۱٪ درصد از کارگران کششی، ۱۹٪ درصد از شراب سازان، ۱۵٪ درصد از کارگران کوره، ۱۵٪ درصد از کارگران کلیدی و سایر مشاغل تشکیل شده است. اهمیت این ارقام در این است که اطلاعاتی در مورد سن، سابقه کار، وضعیت تأهل و سواد کارگران ایرانی ارائه می‌کنند و می‌توانیم اطلاعات کاملی در مورد آن‌ها بدست آوریم.

جدول ۶: توزیع خارجیان شاغل در صنعت نفت باکو در دهه ۸۰ قرن نوزدهم میلادی

شماره	مشاغل	تعداد کارگران		
		جمع	اتباع خارجی	
			تعداد	%
۱	آهن ساز	۳۱۴	۸	۵.۲
۲	چکش کاری	۹۳۰	۹۲	۹.۹
۳	آهنگران	۲۶۸	۳	۱.۱
۴	صنعتگر فلزی	۶۶۸	۵	۷.۰
۵	سازنده دیگ بخار	۳۸۵	۷۶	۷.۱۹
۶	اپراتور کارخانه نورد	۵۹	۳	۱.۵
۷	کارگر مته کار	۲۰۰	۷	۵.۳
۸	حفاری	۳۴۹	۴۴	۶.۱۲
۹	متصدی ترمز ماشین و ترن و غیره	۸۵۰	۳۰۳	۶.۳۵
۱۰	کلید ساز	۸۰۹	۱۲۳	۲.۱۵
۱۱	کشنده (کارگری در حال استخراج نفت از چاه دارتای)	۲۹۴۲	۴۹۲	۴.۲۱
۱۲	سطل کاغذ روغن کشی	۳۶۷	۳۹	۶.۱۰
۱۳	یک کارگر دستی	۶۰۸۳	۲۴۵۳	۳.۴۰
۱۴	روان کننده	۸۲۰	۶۷	۱.۸
۱۵	کارگر سوخت کوره	۶۹۹	۱۰۷	۳.۱۵
۱۶	کمک دست حفار چاه نفت	۱۱	۳	۲.۲۷
۱۷	آب دارچی	۳۴	۷	۵.۲۰
۱۸	نگهبان	۲۳۹	۱۶	۷.۶
۱۹	سرایدار	۲۳۰	۱۷	۴.۷

ARDA, f. 24, siy. 1, iş. 12, v. 119. Копия. “Азербайджан”, 1919г. , 10 июля ARDA, f.

24, siy. 1, iş. 434, v. 6 ARDA, f. 24, siy. 1, iş. 12, v. 119.

براساس این منبع، میانگین کل سنی کارگران صنعت نفت ۷.۲۶ سال بوده است. از ۱۸۴۱۷ کارگر مورد بررسی، ۲.۵۲ درصد ۲۰-۳۰ سال، ۹.۲۰ درصد ۱۵-۲۰ سال، ۸.۱۸ درصد ۳۰-۴۰ سال و غیره بودند. برای تعیین سن کارگران ایرانی به ساختار سنی حرفه‌ها اشاره می‌شود. از مطالب بالا مشخص شد اگر هم پوشانی ساختار سنی مشاغل نامبرده را در نظر بگیریم، می‌توان گفت که

اکثریت کارگران در کارهای رده پایین (əyləçilər, dartayıçılar) مشغول بودند. کارگران ایرانی ۵۲٪ تا ۷۰٪ درصد از کارگران رده پایین را تشکیل می‌دهند. ۹۳٪ درصد از کارگران رده پایین بین ۲۰ تا ۴۰ سال سن داشتند و کارگران رده پایین ایرانی در این گروه قرار داشتند. در این محدوده، ۲۰-۳۰ ساله‌ها غالب بودند. استارسف (خاورشناس) در نوشته‌های خود اشاره می‌کند نیروی مسن که در معادن ما کار می‌کرد، کارگران رده پایین ایرانی بودند که از فرط کار زیاد از کار افتاده و ناتوان و لاغر بودند. همچنین بسیاری از این افراد مرگ پیش از موعد و در ایام جوانی داشتند.

جدول ۷: ساعات کار کارگران در صنعت نفت باکو بین سالهای ۱۸۸۴-۱۹۵۶ میلادی)

شماره	مشاغل	تقسیم بندی کارگران براساس سابقه کار در معادن (برحسب درصد)			
		تا ۱ سال	۱-۳ سال	۳-۵ سال	بیشتر از ۵ سال
۱	کارگران سطل کش (آب کش و نفت کش)	۵۶۰	۰.۳۴	۹.۴	۶.۰
۲	کارگر نفت و یا برد	۴.۵۵	۸.۲۹	۰.۹	۷.۵
۳	آهنگران	۱.۴۹	۰.۲۹	۴.۱۰	۵.۱۱
۴	متصدی سوخت کوره	۳.۳۷	۰.۲۷	۲.۲۴	۵.۱۱
۵	دستگاه کشش نفت	۷.۳۱	۳.۳۷	۰.۱۶	۰.۱۵
۶	سازنده دیگ بخار	۸.۳۵	۶.۳۲	۷.۱۳	۹.۱۷
۷	ترمزدار	۰.۲۲	۰.۳۴	۴.۲۴	۶.۱۹
۸	خشتمال	۵.۳۰	۸.۲۸	۴.۲۰	۴.۲۰
۹	روغن کار	۸.۲۷	۸.۳۲	۰.۱۷	۴.۲۲
۱۰	نجار	۶.۲۸	۷.۳۴	۳.۱۳	۳.۲۳
۱۱	کمک مکانیک (استفاده از نیرو انسان به عنوان دسگاه)	۶.۲۹	۸.۲۴	۳.۱۹	۲.۲۶
۱۲	چوب تراشی، خراطی	۴.۲۶	۰.۲۳	۰.۲۳	۷.۲۷
۱۳	نعلبند	۰.۲۰	۲.۲۶	۷.۲۵	۱.۳۳
۱۴	زرگر	۵.۱۸	۵.۲۵	۵.۱۹	۴.۳۶
۱۵	قفل ساز	۵.۱۴	۴.۲۴	۵.۲۱	۰.۴۰
۱۶	لوکوموتیو راننده	۱.۱۱	۶.۲۵	۴.۱۴	۹.۴۸
۱۷	اپراتور	۰.۷	۸.۱۶	۲.۲۵	۰.۵۱
۱۸	چرخ کار و یا ماشین کار	۴.۸	۱.۱۱	۵.۱۴	۰.۶۶
۱۹	تکنسین حفاری	۸.۶	۲.۶	۵.۱۲	۴.۷۴

ARPIIDSSA , f. 12 , s. 4 , i. 20 . 39. ARPIIDSSA , f. 12 , s. 4 , i. 293 . 40. ARPIIDSSA , f.

2680 , s. 23 , i. 15 . 41. Rusiya MDTA. , f. 1268, Siyahı 1۹, iş 1۸, vərəq ۲۰ ؟۱۹ arxa.

در مورد وضعیت تأهل کارگران ایرانی، همانطور که همه منابع نشان می‌دهد، آن‌ها بدون خانواده می‌آمدند. با این حال، حقایق زیادی در مورد ازدواج کارگران با ساکنان محلی وجود دارد. سواد کارگران شاغل در صنعت نفت نیز باید مورد توجه قرار گیرد. به گفته استارسف، نظرسنجی از ۱۸،۵۰۶ نفر انجام شد که از این میان تنها ۴،۳۹۵ نفر (۲۳٪) با سواد بودند، ۱۰ درصد از حفاران ایرانی ۴۸.۴ درصد از دستیاران، ۳۳.۲ درصد از کارگران کوره، ۷۲.۱ درصد از کارگران نفت کوره و ۶۷.۰ درصد از کارگران رده پایین، با سواد بودند. برخلاف کارگران سایر ملیت‌ها، هیچ کار فرهنگی در بین کارگران ایرانی انجام نمی‌شد. به طوری که استارسف بیان کرده است که: «مایه تاسف است که آنچه برای رشد ذهنی کارگران روس و ارمنی انجام شده، برای مسلمانان ایرانی انجام نشده است، به همین دلیل کمترین میزان تحصیلات در بین آن‌ها دیده می‌شد». کارگران ایرانی جزء رده پایین‌ترین کارگران شاغل در قفقاز بودند که تن به طاقت‌فرساترین کارهای ممکن می‌دادند و بیشترین ساعات روز و قسمتی از ساعات شب را در مزارع کشاورزی و صنایع نفت و معادن سنگ مشغول به کار بودند؛ برخی از آن‌ها در ابتدای جوانی و در اثر کار طاقت‌فرسا و طولانی جان خود را از دست می‌دادند. همچنین بر اساس حجم کاری که انجام می‌دادند، غذای زیادی برای خوردن نداشتند؛ از این رو بسیار بیمار و رنجور بودند. این کارگران دستمزد بسیار کمی دریافت می‌کردند و کمترین امکانات رفاهی را داشتند.

نتایج تحقیق

مشکلات ساختاری در سیاست و اقتصاد ایران از یک سو و اقدامات نوسازانه روس‌ها در منطقه قفقاز مانند ایجاد کارخانجات، تاسیس صنایع جدید، راه‌سازی ایجاد مدارس و صنعت نفت از سوی دیگر تقاضای فزاینده‌ای برای نیروی کار، جریان مهاجرت کارگران ایرانی به قفقاز را سرعت بخشید و در این میان دولت روسیه نیز از این مهاجرت حمایت می‌کرد. همه اینها فرصت‌های شغلی زیادی را فراهم کرده بود و کارگران ایرانی در عرصه‌های مختلف کشاورزی، صنعت و نفت مشغول به کار شدند اما آنچه که در اسناد تاریخی نیز به آن اشاره شده است؛ درآمد کم این کارگران، وضعیت

رفاهی بسیار ضعیف آن‌ها و همچنین تبعیض میان کارگران ایرانی و سایر کارگران خارجی بوده است. به طوری که عمده کارگران مهاجر ایرانی در دسته کارگران رده پایین قرار داشتند و از سواد و علم کافی برخوردار نبودند که این خود دلیل مضاعفی بر شرایط رفاهی آن‌ها بود.

منابع و مطالعات

اتابکی، تورج، مرادحاصلی، جعفر. (۱۳۹۶). میزبان‌های ناراحت، میهمان‌های مغرض: زندگی و روزگار چپ‌های انقلابی ایرانی در اتحاد شوروی (طی سال‌های ۱۳۱۷-۱۳۹۹ ش. / ۱۹۳۹-۱۹۲۱ م.). تاریخ روابط خارجی.

شاکری، خسرو. (۱۳۴۸). پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی، تهران، نشر اختران.

کالیراد، علی. (۱۳۹۸). ایرانیان قاف‌نشین؛ پژوهشی در اسناد نمایندگی ایران در ولادی قفقاز (۱۳۱۵-۱۳۳۷ ق/ ۱۸۹۷-۱۹۱۹ م)، پژوهش‌های علوم تاریخی.

کریمی‌گیلابه، یاسر. (۱۳۹۶). نقش کارگران مهاجر گیلانی در انتقال افکار سوسیال-دموکراسی قفقاز در انقلاب مشروطه. کارنامه تاریخ، ۸(۳)، ۱۱۴-۸۳.

حکیمیان، حسن، (۱۳۷۴)، کارمزدی و مهاجرت تاریخ معاصر ایران، کتاب هفتم، ترجمه افسانه منفرد، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، بهار .

Azerbaijani and Russian documents and sources:

Archive of State Political Documents of the Office of the President of the Republic of Azerbaijan

1. Azərbaycan Respublikası Prezidentinin İşlər İdarəsinin Dövlət Siyasi sənədlər Arxivi: F1, siyahı1, iş 142, 143
2. ARPIİDSSA f, 2 s, 19, i 20,
3. ARPIİDSSA , f . 12 , s. 4 , i. 20 . 39.
4. ARPIİDSSA , f. 12 , s. 4 , i. 293 . 40.
5. ARPIİDSSA , f. 2680 , s. 23 , i. 15 .
6. ARPIİDSSA , f . 12 , s. 4 , i. 20 . 39.
7. ARPIİDSSA , f. 12 , s. 4 , i. 293 . 40.

8. ARPIIDSSA , f. 2680 , s. 23 , i. 15 . 41.
9. ARPIIDSSA F1,siyahi1, iş 142,143
10. ARPIIDSSA f. 1 , s. 74 , i. 742 . 26. s. 74 , i. 740 . 28. s. 77 , i. 44 . 29.. 85 , i . 214 . 30. s. 85 , i. 657 . 31.
11. ARPIIDSSA f. 1 , s. 88 , i. 13 . 32.
12. ARPIIDSSA f. 1 , s. 88 , i . 21 . 33.
13. ARPIIDSSA f. 1 , s. 88 , i. 137 . 34
14. ARPIIDSSA F1,siyahi1, iş 142,143 f. 1 , s. 74 , i. 742 . 26. s. 74 , i. 740 . 28. s. 77 , i. 44 . 29.. 85 , i . 214 . 30.
15. ARPIIDSSA F1,siyahi1, iş 142,143

The National Archive Department of the Republic of Azerbaijan

1. Azərbaycan Respublikasının Dövlət Arxivı, f. 24, siy. 1, iş. 12, v. 119. “Азербайджан”, 1919г. 10 июля
2. ARDA, f. 24, siy. 1, iş. 434, v. 6
1. ARDA, f. 24, siy. 1, iş. 12, v. 119
2. ARDA, F710,səyifə 1, iş 77,7
3. ARDA, F410, səyfə1,iş 241
4. ARDA, F410,səyifə 2, iş,24 ,25,26
5. ARDA, F1610,səyfə1, iş 24
6. ARDA, iş 1, vərəq 266 arxa.

Azerbaijan National Academy of Science

7. AMEA, Tarix İnstitutu Arxiv bölməsi, F15, siyahi 1, iş 11.

Baku State University

8. BUD,f1, S 4, İŞ 56-57 yenə orada, iş 2, vərəq 19-20 arxa
9. BDU, f1, S 4, İŞ 56-57.

Russian State Archive and Library

1. Абелов Н.А.(1897) “Экономический быт государственных крестьян Елизаветпольского уезда//Материалы для изучения экономического быта государственных крестьян Закавказского края” . т. VII
2. Алиева Л. М. (1969)“Рабочие текстильщики Баку в начале XX века”. Баку
3. Аргутинский-Долгоруков А.М. (1897)“Борчалинский уезд Тифлисской губ. в эконом. и коммерч. отношениях//Район

- Тифлиско-Карсско-Эриванской железной дороги в экономическом и коммерческом отношении”. Тифлис
4. Ерицов А. Д. (1975) “Экономический быт государственных крестьян Казахского уезда Материалы для изучения экономического быта государственных крестьян Закавказского края”. т. II, ч.
 5. Аргутинский-Долгоруков М. (1903) “Борчалинский уезд. щямчинин бах: КСХ. , №501
 6. Кочлавашвили А.И. (1961) “истории горнометаллургической промышленности Грузии (1830-1900 гг.)”. АКД. , моск,
 7. Материалы для, т. VII, 89.
 8. Мачабели С. В. (1972) ”Экономический быт государственных крестьян Тифлиского уезда Материалы для изучения экономического быта государственных крестьян Закавказского края”. т. V, ч. II.
 9. Парсамян В. А. (1900) “История армянского народа.” 1801-1900 гг. Кн. I. Ереван,
 10. Сборник сведений (1896.)
 11. Сборник сведений по виноградарству и виноделию на Кавказе. вып. V. Тифлис, (1896)
 12. Сегаль И. (1893) ”Солодковый корень и его промышленность в Елизаветпольской губернии”. Тифлис,
 13. Смирнов В. В. (1925) “Рыбное хозяйства в водах Азербайджана за 1880-1922 гг.” Баку,
 14. Тиммер Ф. (1902) ”Колония Еленендорф Елизаветпольская губ. и уезда // Сборник материалов для описание местностей и племен Кавказа. Вып. XXIX”. Тифлис. Отд.
 15. Цатурян М. А. , Мелконян В. А. Алавердскому меднохимическому комбинату 200 лет. Ереван, (1971)
 16. Материалы для изучения экономического быта государственных крестьян Закавказского края. , т. VII,
 17. Abbott, V. G. (1888), “Diplomatic and Consular Reports on Trade and Finance Persia, Report on the Agricultural Resources of the Province of Azerbaijan, District of Tabreez”, London: Foreign Office, no 423.

18. Обзорение Российских владений за Кавказом. СПб. , 1836, ч. III
The State Archive of the Russian Federation (ГАРФ)
19. России. Государственный архив Российской Федерации, ф. 1263 г., опись 13, дело 1, лист 428, 443 оборот; список 14, дело 1, л. 266 о., 285 о.; дело 153, лист 352 оборот, 359 оборот; список 1, дело 12, л. 395 об.; дело 91, л. 183 оборотная; опись 18, дело 182, л.д. 505. 506.
20. России. ГАРФ, ф. 1268, оп. 18, д. 182, л. 506.
21. Россия. ГАРФ, ф. 1263 г., опись 13, дело 1, лист 428, 443 оборот; список 14, дело 1, л. 266 о., 285 о.; дело 153, лист 352 оборот, 359 оборот; список 1, дело 12, л. 395 об.; дело 91, л. 183 оборотная; опись 18, дело 182, л.д. 505. 506.
22. Россия. ГАРФ, ф. 95, оп. 5, д. 1690, л. 141 об.
23. Россия. ГАРФ ф. 95, оп. 5, д. 1690, л. 141 обр.
24. Россия. ГАРФ, ф. 11, Список документов Лист 4. V
25. Россия. ГАРФ, ф. 1268, оп. 18, д. 182, л. 506
26. Россия. ГАРФ, ф., ф. 1268, оп. 19, д. 18, л. 19? 20 назад
27. Россия. ГАРФ, ф. 1268, оп. 19, д. 18, л. 19? 20 назад
- Georgia. Central State Historical Archive.(ЦГИА)*
1. ЦГИА ф. 264, оп. 1, дело 359, л.д. 149-150.
2. Грузия.ЦГИА ф. f. 264, siyahı 1, iş 359, vərəq 149-150.
3. Грузия., ЦГИА ф. 11, оп. 1, дело 2543, л. 1; опять там же, дело 2878, л. 4; опять там же, дело 2944, л.5; вот опять дело 3676